

یک مقاله قدیمی باقی مانده از دهه ۵۰ خور ششیدی، پیشه سنگ تراشی در مشهد قدیم را به تصویر کشیده است

کار سنگ در دل کاغذها



طوبی اردلان

یک مقاله قدیمی به قلم مهشیده فرح بخش و مجید قربانی از سال ۱۳۵۴ (همان سالی که بازار قدیم مشهد تخریب شد) در پایگاه مقالات پژوهشی ایران زمین وجود دارد که به پیشه سنگ تراشی در مشهد پرداخته است. در این مقاله، نویسندگان می گویند عمده سنگ جکاری مشهد را از کوه های اطراف شهر به ویژه کوهسنگی استخراج می کنند. گویا این سنگ ها را در گذشته به وسیله باروت و در سال نوشته شدن مقاله (۱۳۵۴) با انفجار دینامت از کوه جدا کرده و به محل تجمع سنگ تراشان که پس از تخریب بازار و در زمان انجام این پژوهش به گاراژ «اطمینان» و بازارهای کوچک اطراف حرم مطهر پناه برده بودند، منتقل می کرده اند. در این پژوهش که یک بازدید میدانی از بازار سنگ تراشان بوده است، پژوهشگران در گفت و گو با کسبه قدیمی این صنف، از استادان قدیمی این حرفه در مشهد نیز نام می برند؛ «بنابه گفته سنگ تراش های مشهد، استادان قدیمی این کار که تنها خاطره ای از آنان باقی است، حاجی بهنام، حاجی آقا، گل مهدی رضاعلی و گل قاسم هستند که در بازار سنگ تراش ها کار می کرده اند و استادان امروز که تعدادشان ۱۷ تن است، جملگی شاگردان آنان محسوب می شوند. این افراد به همراه شاگردان بسیاری که تربیت کرده اند، تمامی محصولات سنگی این شهر را تولید می کنند و در بازارهایشان به فروش می رسانند.»
کار سنگ تراشی در مشهد این دوره به وسیله چرخ دستی صورت می گرفته است. اما استاد «احساسات» نامی در این سال یک دستگاه برقی تراش سنگ می سازد که به گفته قربانی و فرح بخش، استادان سنگ تراش، قدرت خرید این دستگاه را نداشته اند و به همان شکل سنتی، کارشان را ادامه می دهند.



در این روزگار، سوای سنگ تراشی، قلم زنی نقوش مختلف روی سنگ ها هم باب شده است که نویسنده در مقاله اش ورود این هنر از اصفهان به مشهد را مدیون سنگ تراشانی مانند محمد خادم، غلامحسین برزدی و قاسم تعدمی می داند، «غلامحسین برزدی هشتاد و سوله است. پدر، دایی و بسیاری از اقوامش سنگ تراش بوده و هستند. ساخت نقوش سنگی اطراف مقبره فردوسی را به پدرش که کارگر حجار باشی بوده است، نسبت می دهند اما او خودش را چرخ کار (کار سنگ تراشی را با چرخ دستی انجام می داده) معرفی می کند. منزل، کارگاه، و محل فروش صنایع دست ساخته اش در دامنه کوه سنگی مشهد است. تمامی کار از گردآوری سنگ، تراش، چرخ کاری و قلم زنی را خود به تنهایی انجام می دهد و از این راه، معاش زن و فرزندان را درمی آورد. از میان فرزندانش فقط یکی به کار قلم زنی علاقه دارد. از دیگر استادان رشته قلم زنی در مشهد باید محمد خادم را نام برد که ۲۷ سال است به این حرفه اشتغال دارد. قلم زنی را کار اصفهانی هایی می داند که از ۱۰ سال پیش در مشهد قلم زنی روی سنگ را شروع کردند ولی چون نتوانستند روی سنگ هم مانند مس کار کنند، آن را ادامه ندادند. ولی خود تراشکارهای مشهد به آن پرداختند و موفق هم شدند.»

این پژوهشگران همچنین در ادامه تأکید می کنند که استادان نامی و قدیمی این حرفه در مشهد هنوز قلم زنی روی سنگ را نیز برفته اند. آن ها از استاد احساسات و استاد زینل زاده به عنوان کسانی که تن به قلم زنی نداده اند، یاد می کنند و توضیح می دهند: «استاد احساسات حدود ۴۵ سال دار و در بازار حجارها در کارگاهی کوچک که محل فروش نیز هست، کار می کند. مغازه وی لبریز از ظروف سنگی است که با ظرافت بسیار، از سنگ مرمر، سنگ هرکاره و سنگ سیاه تراشیده شده است و هیچ نمونه قلم زنی در دهانه آن نیست و این نشانه ای از علاقه وی به کار تراش و پرهیز از صنعتی است که با این هنر آمیخته شده است. محمد تقی زینل زاده هم هشتاد و پنج ساله و در بازار حجارها، صاحب دهک و کارگاه کوچکی است. او کار را با ساختن ظروف هرکاره در همین بازار شروع کرده و در یکی از کارهای تراش، یکی از انگشتان خود را از دست داده است.»

ناگفته نماند در دهه ۵۰ سنگ تراش های مشهدی دارای صنف هستند، سندیکان دارند و هیچ گونه وسایل ایمنی برای آنان در نظر گرفته نشده است. البته امید دارند که شرکت تعاونی پیدا کنند و از نظر سلامتی و بیمه و دیگر مزایا تأمین شوند. رئیس صنف سنگ تراش ها هم فردی به نام حجار باشی است که ریاست را بین فرزندان خود تقسیم کرده است. به همین دلیل هم در صنف این پیشه چهار دسته حجار، سنگ تراش، چرخ کار و قلم زن به وجود آمده که ریاست هر بخش بر عهده یکی از پسران حجار باشی است.



گذری بر تاریخ صنعت هرکاره تراشی در مشهد که رونقش را از دعای امام رضا(ع) به یادگار دارد

سنگی که آینه برکت شد

هما سعادتمند

مشهد شهری با معادن بسیار است که زمین اطرافش را به کنجی ناتمام تبدیل کرده است؛ از فیروزه و طلا بگیرد تا آهن و مس. اما در این میانه سنگ هرکاره، پیوندی دیرینه با برکت و رونق اقتصادی در آن دارد و این مهم به برکت حضور امام رضا^(ع) در مشهد است. روایت های به یادگار مانده در دل متون کهن حکایت از آن دارد که سنگ تراشی شغلی دیر سال در مشهد قدیم بوده است. اما این پیشه پس از دعای حضرت رضا^(ع) است که برکتی توصیف ناپذیر می گیرد و به صنعتی تبدیل می شود که تا هنوز رونق دارد و اثران بسیاری مشتاق آن هستند. نزدیک شدن به روز صنعت و معدن سبب شده است در سطرهای پیش رو به روایت این برکت بپردازیم و در ادامه یادی کنیم از تاریخ بازاری قدیمی به نام سنگ تراشان که در همسایگی حرم مطهر قرار داشت و حالا تنها و آخرین نشانه هایش را می توان در عکس های بر جای مانده از نیمه دوم قرن چهاردهم دید.

● تاریخ هرکاره سازی در شاهنامه فردوسی مشهد پیش از حضور امام رضا^(ع) هرکاره را که سنگی نرم و اسان تراش بوده، می شناخته و در آن، صنعتی به نام هرکاره تراشی یا همان ساخت ظروف سنگی وجود داشته است. این نام آن قدر کهن است که می توان رد و نشانش را در شاهنامه هم دید؛ حکیم ابوالقاسم فردوسی می گوید: «به هرکاره چون شیر پاخته شد از د و مردزان کار پردخته شد» یا «بیامد زن از خانه با شوی گفت /

که هرکاره و آتش آرا ز نهفت».

● برکتی که با امام رضا(ع) آمد

این ابیات که تعدادشان کم نیست، می گویند که اهالی توس در ظروفی سنگی غذا می پخته اند اما برکت و رونق کار تراشیدن آن در مشهد با حضور حضرت خورشید، معاصر است. روایت است که امام رضا^(ع) در مسیر حرکت خود از مدینه به خراسان، به نوغان و کوهسنگی می رسند. چند سنگ تراش را می بینند که مشغول کنند سنگ هرکاره هستند. همان جابه کوه تکیه می دهند و برای رونق و برکت آن دعا می کنند. شیخ صدوق در کتاب «عیون الاخبار الرضا^(ع)»، از قول اباصلت هروی نقل می کند: «هنگامی که حضرت امام رضا^(ع) به سناباد وارد شدند، به کناره کوهی نزدیک سناباد که از سنگش دیگ های سنگی درست می کنند، رسیدیم. امام^(ع) به تخته سنگی از کوه تکیه زدند و رو به آسمان فرمودند: خداوند! مردم را از این کوه سود برسان و غذاهایی را که مردم در دیگ ها و ظرف های سنگی این کوه می پزند، برکت عطا فرما. سپس دستور دادند دیگ هایی از همان سنگ برایشان بیاورند و فرمودند: غذای مراد هیچ ظرفی نیزید، مگر در همین ظرف های سنگی.» پس از شهادت حضرت^(ع) زائرانی که به شوق آستان بوسی سلطان خراسان به این دیار می آمدند، چون این روایت را شنیده یا خوانده بودند، ظروف ساخته شده با سنگ هرکاره را برای مصرف یا به قصد سوغات می خریدند. اشتیاقی برای این ظروف که از قضا، طلیخ غذاهایل مقاومت آن در برابر آتش، در آن بسیار مطبوع تر از دیگر ظروف بوده است. آن چنان رونق می گیرد که به قطب اقتصادی و صنعت تراز اول مشهد بدل می شود.

● از خلیج تا کوهسنگی
ناگفته نماند سوای کوهسنگی، معادن سنگ هرکاره را در کوه های خلیج هم می توان یافت؛ به همین دلیل برخی منابع حضور ثامن الحجج^(ع) را در پای این کوه نوشته اند. برای نمونه دکتر علی شریعتی در کتاب «راهنمای خراسان» پس از آنکه معادن مشهد را کرومیت، آهن، فیروزه، مس و سرب، منیزیت و نمک معرفی می کند می نویسد: «در کوه های فروندو عباس آباد (منتهی الیه غربی خراسان) سنگی به نام پازر وجود دارد که سبزرنگ است و از آن سرمه دان، تسبیح، ماهی تسبیحی، چوب سیگار پیپ و اشپای زینتی می سازند. این سنگ پس از آنکه مدتی در

یادی از بازار سنگ تراشان مشهد که روزگاری همسایه حرم بوده است

رونقی زیر سایه حضور حضرت دوست



نمای تنها قسمت باقی مانده از بازار سنگ تراش هایس از تخریب آن - دهه ۷۰ قرن چهاردهم خورشیدی

متعلق به دهه ۵۰ و ۶۰ است و اکنون در این مکان رواق دارا الحجه ساخته شده است). تافلکه شمالی در مقابل خیابان طبرسی و باغ رضوان امتداد داشت و به بازار سنگ تراش ها معروف بود و در آن ظروف سنگی زینتی مانند کوزه قلیان، قدح، جام، دوات جوهر، سنگ مقابر، هاون، ظروف آشپزخانه، دیگ سنگی و دیزی و غیره می تراشیدند. بعد از تخریب آن بازار در سال ۱۳۵۴، عده ای از سنگ تراش ها به یک گاراژ مسافری قدیمی در مجاورت کوچه ملک و عده ای نیز به حاشیه کوهسنگی مشهد نقل مکان کردند. پاساژ سنگ تراش ها در مجاورت کوچه ملک در سال ۱۳۷۰ خورشیدی

کرده است، ثواب می دانسته اند. سوای این، مقاومت هرکاره در برابر آتش سبب می شده است غذا در آن به آرا می طبخ شود و به اصطلاح امروزی حسابی جابیفند. او در ادامه، نقبی هم به تاریخ بازار می زند و می نویسد: «یکی از دلایل اختصاص این بخش از بازار به سنگ تراش ها، مجاورت آن به گورستان تاریخی قلنگاه (باغ رضوان) بوده است؛ زیرا که در آن ساخت سنگ قبر هم متداول بوده است. این بازار، از درگاه یا صفه ضلع شمال غربی صحن عتیق در کنار ایوان عباسی یا درگاه و صفه پهلوی سنگ قبر شیخ حسن علی اصفهانی نخودگی که اکنون دفتر و آسایشگاه در بانان است (این روایت

باقی مانده بوده است، «بازار زنجیر» و بخش دیگر که بیرون از فلکه حضرت قرار می گیرد، «بازار سرشور» نام می گیرد. در این میانه، بازار سنگ تراشان با اندک حجارانش، جایی میانه بازار زنجیر حل می شود و عمر روزه بال خود را شکسته بسته و به پهلوا فتاده ادامه می دهد، اما این کمترین نفس هم در نهایت سال ۱۳۵۴ با تخریب بازار زنجیر به دستور ولیان برای همیشه خاموش می شود. احمد ماهوان در کتاب «بازار در فرهنگ و ادب ایران زمین» توضیح می دهد که کار بازار سنگ تراشان مشهد، رونقی بی اندازه داشته است؛ زیرا مشهدی ها خوردن غذا در ظرفی که سنگ آن را امام رضا^(ع) متبرک



بازار سنگ تراشان مشهد در دهه ۵۰ خورشیدی

آبگوشتی که در هرکاره های سنگی ساخته می شود، بسیار خوشمزه است. «برکت، سنگ تراشانی ماهر و زبردست بار می آیند که هنر دستشان چون میراثی در پشته کاروانان و توشه بازرگانان از دیاری به دیاری دیگر می کوچیده است. این صنعت آن چنان در شهر رونق داشته که در ادامه بازار زنجیر و در قسمت شمالی آن، بازاری به نام بازار سنگ تراش ها ساخته می شود و در آن صنعتگران این حرفه، ظروف سنگی زینتی مانند هرکاره، کوزه، قلیان، قدر، جام دوات، سنگ قبر و ظروف آشپزخانه و لوازم زینتی می تراشیدند.

● تخریب و ضمیمه دور برگردان و فضای زیرگذر بالاخیابان گردید.»

پیش از احمد ماهوان، نویسندگان کتاب «مکتب شاپور» که تصویری کامل از مشهد ابتدای قرن چهاردهم (سال ۱۳۱۳ خورشیدی) را در نوشتارشان ارائه کرده اند، نیز پیشه سنگ تراشی را یکی از قدیمی ترین مشاغل و صنایع رایج در مشهد معرفی می کنند و می گویند: «صنعت سنگ تراشی در مشهد از قدیمی ترین ازمنه معمول بوده و سیاحان و جغرافیائو نویسان اوایل اسلام از قبیل یاقوت حموی واستخری در موقع سیاحت به خراسان از این صنعت نام برده اند. اکنون هم در مشهد از سنگ های سیاه هرکاره ادواتی مانند دوات، جادات، دیگ و دیزی، هاون، سرقلیان، اسباب تحریر، شمعدان، چاپودر، زیر سیگاری و غیره تهیه می کنند. از سنگ های مرمر مخصوصا مرمر خلیج هم کتیبه ها و سنگ های پایه و ازاره عمارت ها و مانند این ها می سازند. محل این صنعت قسمت عمده در تیمچه سنگ تراش ها (سالار) واقع در خیابان نادری، جنب کوچه چراغ برق است. در کوچه بازار سنگ تراش های قدیم که به صحن مقدس منتهی می شود نیز بعضی از سنگ تراش های می باشند. مرکز اصلی سنگ تراش های سنگ خلیج در خیابان سپه محله شهرنواست.»

اکنون سنگ تراشان مشهد بازار مشخصی ندارند و می شود آنان را بیشتر در مکان های یابرتی یا توریستی و تفریحی نظیر اطراف کوهسنگی، آرامگاه خواجه ربیع، آرامگاه فردوسی، طریقه و شاندیز مشاهده کرد.



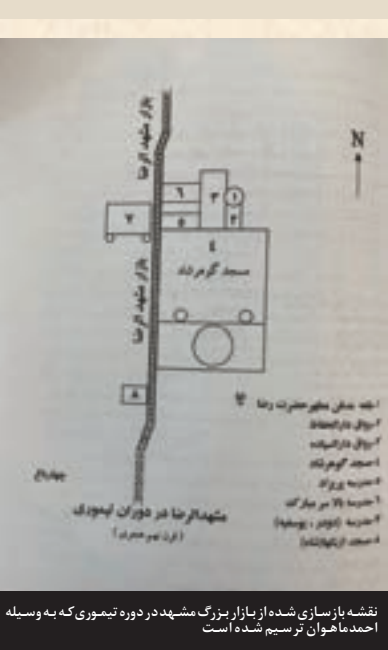
این گلدان که چنین آن از سنگ هرکاره است و روی آن تصویر شاعران نامدار ایران قلم زنی شده، هنر یکی از حجاران مشهدی است که اوایل دهه ۶۰ به مرحوم محمودفر خراسانی هدیه شده و می توان آن را از نخستین نمونه های قلم زنی چهره بروی سنگ در مشهد دانست. این گلدان اکنون در خانه شخصی فرخ قرار دارد. خانه ای که چند سالی است فرار است تبدیل به خانه ادبیات مشهد شده اما مهر اندک مسئولان بار نگارش نمی شود.



دریافت وجهه اجاره از دکان های پایین خیابان بازار سنگ تراشان که توسط استادان قدس رضوی در آخذ شده است.صفوی



بازار بزرگ مشهد پس از ساخته شدن صحن عتیق رضوی به دبیش بازار زنجیر و بازار سنگ تراش ها تقسیم می شود



نقشه با سازی شده از بازار بزرگ مشهد در دوره تیموری که به وسیله احمد ماهوان ترسیم شده است